

دکتر احمد رضایی*

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه قم

دکتر محمود مهرآوران**

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه قم

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال پنجم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۹۲

(ص ۶۶-۳۳)

بررسی مختصات دستگاه زبانی قصیده ای از انوری و استقبال نظیری نیشابوری از آن

چکیده

محمد حسین نظیری نیشابوری (؟-۱۰۲۱ه.ق) از شاعران فارسی زبانی است که بخش اعظم عمر خویش را در هند گذرانده است. وی در اشعارش از شاعران نامدار پیش از خود مانند سعدی، حافظ و بابا فغانی استقبال کرده است. یکی از شاعرانی که نظیری در اشعار خویش بویژه قصایدش از وی استقبال و گاهی تقلید کرده و بدین نکته نیز اشاره نموده، انوری ابیوردی است. تحلیل و مقایسه ی استقبال نظیری از انوری می تواند چگونگی و میزان خلاقیت یا تقلید محض وی را نشان دهد.

در این پژوهش با به کارگیری روش هلیدی (۱۹۹۴) در زبانشناسی نقشگرا - سیستمی و تحلیل فرآیندهای مختلف و اجزای آن ها و نیز بررسی دستگاه های آوایی، واژگانی و نحوی قصیده ای از انوری و استقبال نظیری از آن (۶۸ بیت) میزان تشابه دو متن، خلاقیت یا تقلید نظیری بررسی شده است. حاصل تحقیق نشان می دهد قصیده ی نظیری، مشابهت های

*Email: a-rezaei@qom.ac.ir

**Email: mehvaran@qom.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۱۱

www.SID.ir

فراوانی در بخش های مختلف با قصیده ی انوری دارد و حتی در مواردی، فراوانی نتایج مانند عناصر پیرامونی، کنشگرها و کنش پذیرها، ساخت های متعددی و ... در قصیده ی نظیری، بیش از ابیات انوری است که می توان آن را نتیجه ی مؤانست زیاد شاعر با شعر انوری دانست.

کلید واژه ها: تحلیل، دستگاه زبانی، زبان شناسی نقشگرا- سیستمی، هلیدی، قصیده، انوری، نظیری نیشابوری.

مقدمه

پژوهش های سبک شناسانه ی امروز با به کارگیری تحلیل های زبان شناختی، گامی است برای عینیت بخشی به مطالعات ادبی و پرهیز از دیدگاه های ذوقی و استحسانی؛ البته این مطلب بدین معنی نیست که پژوهش های مبتنی بر تحلیل های زبان شناختی، همه ی جزئیات متن را به صورت عینی ارائه می کنند. بی گمان بسیاری از ویژگی های متون ادبی مانند احساس، عاطفه و تخیل از این طریق قابل عرضه نیست؛ اگر چه تحلیل عناصر زبانی در القای آن ها بسیار مؤثر است. باید پذیرفت که چنین پژوهش هایی، چارچوب و نظامی عینی را در مطالعات ادبی ارائه می کنند و در نتیجه ردّ و اثبات بسیاری از مسائل را به صورت منظم و مستند امکان پذیر می نمایند. در گذشته محققان، بسیاری از مختصات متون را به دلیل انس مداوم با آن ها درمی یافتند و شاید بر اساس چنین پیشینه ای «اشپیتزر معتقد بود که راه رسیدن و دریافت سبک بویژه سبک شخصی، انس مداوم با اثر و خوانش چندباره ی آن است». (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۲۳) لیکن شیوه ی انتقال یا عرضه ی دریافت های آنان فاقد چارچوب نظری بود؛ از این روی بسیاری از چنین پژوهش هایی اعتبار علمی چندانی نداشت. مطالعات زبان شناختی و به تبع آن سبک شناسی نوین، ملزومات اعتبار بخشی به چنین پژوهش هایی را فراهم نموده است که با کاربرد آن می توان بسیاری از ویژگی های متون را به صورت نظام مند عرضه کرد.

در این پژوهش با اشاره ی مختصر به سبک انوری و استقبال های نظیری، بر اساس مؤلفه های زبان شناختی، بویژه زبان شناسی سیستمی-نقشگرا، قصیده ای از انوری که نظیری

نیشابوری آن را تقلید کرده، بررسی و تحلیل می شود تا به صورت عینی و نظام مند، میزان خلأقیّت یا تقلید را در هر یک از دستگاه های گوناگون زبانی این دو متن نشان دهد. یاد آوری می شود چون قصیده ی انوری ۶۸ بیت است و قصیده ی نظیری بیش از صد بیت، برای حفظ تعادل از قصیده ی نظیری نیز، ۶۸ بیت اول انتخاب شده است.

انوری و نظیری نیشابوری

به قول شفیعی کدکنی: «کسانی که انوری را یکی از پیامبران شعر فارسی می دانسته اند، تأکیدشان بر قصاید وی بوده است؛ زیرا بر اساس معیارهای تاریخی عصر وی، اهمّیت انوری در قصایدش بوده است.» (شفیعی، ۱۳۷۲: ۳۹) می توان گفت ساختار زبانی و بلاغی خاصّ انوری، شعر او و بخصوص قصایدش را در شمار آثاری در زبان فارسی در آورده که به شاخصه های ویژه و منحصر به فردی رسیده اند و همین مختصات، باعث تمایز شعر او در میان بسیاری دیگر از آثار مشابه شده است. گویا بر همین اساس بوده است که صاحب کشف (۱۹۶۷) هنگام بازگویی طرزهای شعر فارسی، از طرز انوری یاد کرده است: «جمله ی طرزها نه طرز باشند: اول حکیمانه و آن طرز حکیم سنایی است، مشکل و مشتمل بر مواعظ و تشبیه و امثال و معرفت سلوک و متعلقات آن. دوم: طبعانه و آن طرز خاقانی است و تعریف آن غلو در مشکلات نظم، تشبیهات بدیع و تحمیلات لطیف و تصویرات غریب. سوم: فاضلانه و آن طرز انوری است؛ مشتمل بر الفاظ معتبر به استغراق و بلاغت و ابداع علوی. چهارم: مترسلانه و آن طرز ظهیر فاریابی است و عبارت است از تصرفات در ایهام ذوالمعنین و تشبیهات نو. پنجم: محققانه و آن طرز عبدالواسع جبلی است و تعریف آن ملایمت و جزالت است در ایراد مطابقات و مشابهات. ششم: ندیمانانه و آن طرز فردوسی و نظامی است، مشتمل بر بیان قصص و حکایات و تواریخ و فصاحت معانی بدیع و تشبیهات عجیب. هفتم: عاشقانه و آن طرز سعدی است و آن حاوی ملایمت و ذوق است. هشتم: خسروانه و آن طرز حضرت امیر خسرو دهلوی است و آن جامع جمیع لطائف نظم و محتوی تمام کمالات سخن است. نهم: باحفظانه و آن کلامی است مشتمل بر الفاظی که آن ها را در استعمال مهجور داشته اند و گفته اند اگر زبان پخته ی فارسی را از الفاظ عربی

چاشنی دهند، اگر گوارا بود مترسّلا نه خوانند و اگر ناگوار آید، باحفصانه خوانند.»
(تهانوی، ۱۹۶۷، ذیل طرز)

چنان که ملاحظه می شود در اینجا نیز، مؤلف به زبان (الفاظ معتبر) و ساختار بلاغی اشعار انوری اشاره کرده و آن ها را اساس تشخیص سبکی وی دانسته است. همین ویژگی ها موجب شده دیگر شاعران به تقلید از وی، یا معارضه با شعر او پردازند. از جمله ی این مقلدان، مولانا محمدحسین نظیری نیشابوری (؟-۱۰۲۱ه.ق) است که « در او ان جوانی از خراسان به عراق آمده و از آن جا به هند افتاده (۹۹۲ه.ق) در خدمت شاه جلال الدین اکبر و نورالدین جهانگیر پادشاه و امرای ذی قدر ترقیات نموده، در اواخر حال در گجرات رحل اقامت افکنده، همیشه جمعی از اعزّه، اکابر و اصاغر در مجمع او حاضر بودند و هنگامه ی شعر و صحبت در منزل او به غایت گرم بود.» (گلچین معانی، ۱۳۶۹:۱۴۴۹) می توان گفت به دلیل سبک خاص انوری، نظیری نیشابوری « در قصیده غالباً، قصاید بلند انوری را استقبال کرده است.» (نظیری، ۱۳۷۹، مقدمه:ف) از جمله قصیده ی انوری با مطلع:

ای قاعده ی تازه ز دست تو کرم را
وی مرتبه ی نو زبناں تو قلم را
(انوری، ۱۳۷۲:۶)

که نظیری با مطلع:

چندی به غلط بتکده کردیم حرم را
وقت است که از کعبه برآریم صنم را
(نظیری، ۱۳۷۹:۳۲۷)

استقبال کرده است. یا

چون شمع روز روشن از ایوان آسمان
ناگه دراو فتاد به دریای بیکران
(انوری، ۱۳۷۲:۳۶۲)

که در قصیده ای با مطلع:

روزی چو بازمانده ز کاروان
دل واله ی بسیج یساق خدایگان
(نظیری، ۱۳۷۹:۴۰۵)

استقبال شده است. وی در قصیده ای صراحتاً به تضمین بیتی از انوری اذعان می کند:

در بیان حال این معنی ز شعر انوری بهر تضمین می کنم بیتی مناسب انتخاب...
(همان: ۳۴۴)

در پژوهش حاضر، ضمن گذاری کوتاه بر مباحث زبان شناسی نقشگرا- سیستمی،
دستگاه های گوناگون ساختار قصیده ی نظیری را با مطلع:

ترتیب کهن تازه شد آیین زمان را نو داد نسق شاه جهانگیر جهان را
(نظیری، ۱۳۷۹: ۳۲۱)

که به استقبال قصیده ی انوری با مطلع:
باز این چه جوانی و جمال است جهان را وین حال که نو گشت زمین را و زمان را
(انوری، ۱۳۷۲: ۹)

سروده است، با تأکید بر چنین مباحثی تحلیل و بررسی می نمایم.

پیشینه ی پژوهش

درباره ی تحلیل متون ادبی فارسی بر اساس آموزه های زبان شناسی نقشگرا- سیستمی مقالات چندی نوشته شده است؛ از جمله کاربرد آموزه های زبان شناسی نقشگرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی، نوشته ی فردوس آقا گلزاده، (۱۳۸۴) در مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳۸، شماره ی ۱۴۹ و بررسی، تحلیل و نقد چهار قصیده ی فارسی بر اساس آموزه های زبان شناسی سیستمی- نقشگرا، نوشته ی حسینعلی قبادی و احمد رضایی در فصلنامه ی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ی (۲۰) بهار ۱۳۹۰؛ صص: ۶۹-۹۳؛ اما در باره ی نظیری نیشابوری و انوری با چنین نگرشی پژوهشی انجام نپذیرفته است.

گذری بر مباحث زبان شناسی نقشگرا- سیستمی

یکی از مباحثی که در دیدگاه های سوسور مطرح شده، مطالعه ی همزمانی و در زمانی زبان بود. «مطالعه ی همزمانی تلاشی است برای بازسازی نظام زبان به عنوان کلّیتی نقشمند؛ در حالی که مطالعه ی در زمانی ردیابی تحوّل تاریخی زبان در گذر از مراحل مختلف است.» (کالر (J. Culler)، ۱۳۸۸: ۳۰) علاوه بر این، سوسور بر نقش واژه در متن بسیار تأکید

می کرد. پس از این مرحله یعنی مرحله ی واژه مرکزی، توجّه پژوهشگران مانند سایپر (E. Sapir) و بلومفیلد (M. Bloomfield) (۱۹۳۳) بر جمله به عنوان واحد اصلی متن متمرکز شد. پس از آن نظریه ی عمل گفتار آستین (J. LAuatin) (۱۹۶۲) و سرل (J. Searle) (۱۹۶۹) و نظریه ی ارتباطی یا کوبسن (R. Jakobson) (۱۹۶۰) راه نگرش های کاربردشناسانه ی زبان را مانند اعتقادات سخنگو، درک وی از جمله و چگونگی استفاده از زبان برای تبادل اطلاعات هموار کرد. آنچه در کاربردشناسی مهم است معنای جمله در بافت است. چنین دیدگاههایی در آثار بنونیست (E. Benveniste)، مارتینه (A. Martinete) (۱۹۶۰) و ... در قالب زبانشناسی نقشگرا- سیستمی شکل گرفت. در این رویکرد بافت کلام، چه بافت زبانی و چه بافت جهان خارج، کانون توجّه قرار گرفت؛ به عبارتی هر عنصر زبانی با ارجاع نقش آن در کلّ سیستم توضیح داده می شود. یکی از صاحب نظران که زبانشناسی نقشگرا- سیستمی با نام وی پیوند خورده، هلیدی است. «موقّعیّت بزرگ هلیدی این بود که توانست برداشت نظام مند و یکپارچه ای ارائه کند که چگونه جنبه های خاص موقعیّت در گزینش های زبانی که مشارکین صورت می دهند، بازتاب می یابد.» (مهاجر، ۱۳۷۶: ۲۵) از نظر هلیدی نقش ها و کارکردهای زبان در جامعه، در واقع توصیف معناهایی است که زبان به طور عام و هر متن به طور خاص می تواند داشته باشد؛ به همین منظور هلیدی سه فرانقش را برای زبان در نظر می گیرد: «۱) فرانقش اندیشگانی که در آن اعتقادات، احساسات و تأثیراتمان را باز گو می کنیم ۲) فرانقش بینافردی که در آن دادن اطلاعات، پیشنهاد، پاسخ و پذیرش، ارائه ی کالا و خدمات قرار می گیرد. ۳) فرا نقش متنی که در آن با استفاده از عوامل ساختاری مانند ساخت مبتدا- خبری، اطلاعاتی و عوامل غیر ساختاری مانند ارجاع، حذف، جایگزینی، و... پیام سازماندهی می شود.» (هلیدی، ۲۰۰۲: ۳۱۲ و ۸۰)

در این جا با تأکید بر فرانقش اندیشگانی، نخست انواع فرآیندها، مشارکین، عناصر پیرامونی و... بررسی می شود. سپس به تحلیل عناصر آوایی، واژگانی و نحوی در دو قصیده ای که مطلع آن ذکر شد، می پردازیم.

انواع فرآیند

«فرآیند بر یک رخداد، کنش، حالت احساسی، گفتاری یا وجودی ناظر است.» (مهاجر، ۱۳۷۶: ۳۹-۴۰) فرآیندها به لحاظ معنایی، به گونه های مختلفی تقسیم می شوند که عبارتند از:

فرآیند مادی: طی آن عملی انجام یا رخدادی شکل می گیرد یا چیزی تحت تأثیر واقع می شود؛ مانند «دویدن» (اگینز، ۲۰۰۲: ۲۱۵-۲۱۶) نیز «برآورد و بگشاد» در بیت زیر:

هم جمره برآورد فرو برده نفس را هم فاخته بگشاد فروسته زبان را
(انوری، ۱۳۷۲: ۹)

فرآیند ذهنی: در آن درباره ی رخدادی فیزیکی سخن نمی گوئیم؛ بلکه در مورد افکار، احساسات و ادراکات است. (همان، ۲۲۵-۲۳۹) مانند «نشناسند» در بیت زیر:

از بس به میان جمع ز پیکار شود صید از دامن صحرا نشناسند میان را
(نظیری، ۱۳۷۹: ۳۳۲)

فرآیند رابطه ای: بر هستی و رابطه ی بین پدیده ها از طریق فعل بودن دلالت دارد؛ از آنجا که این فرآیند، ویژگی یا خصوصیتی را به چیزی نسبت می دهد، به آن «فرآیند وجودی» نیز می گویند (همان: ۲۳۹): مانند «است و گشت» در بیت زیر:

باز این چه جوانی و جمال است جهان را وین حال که نو گشت زمین را و زمان را
(انوری، ۱۳۷۲: ۹)

در فرآیند کلامی با افعالی مانند گفتن، بیان کردن، اظهار کردن و ... سر و کار داریم. فرآیند رفتاری در برگرفته ی رفتارهای فیزیکی مانند خوابیدن، سرفه کردن، لبخند زدن و ... است. (همان: ۲۳۳) در ابیات زیر «گویند» فرآیند کلامی است و «نگرد» فرآیند رفتاری:

گویند که در روز نخستین دل و دستش ضامن شده محصول یم حاصل کان را
(نظیری، ۱۳۷۹: ۳۳۹)

حزمش چو به باطن نگرد صحت اخلاص رگ در تن مردان گسلد تاب و توان را
(همان، ۳۳۰)

در جدول زیر انواع فرآیند های مختلف در دو قصیده به تفصیل آمده است:

جدول شماره ی ۱

انواع فرآیند در قصیده ی نظیری				انواع فرآیند در قصیده ی انوری			
نوع فرآیند و تعداد	بیت	نوع فرآیند و تعداد	بیت	نوع فرآیند و تعداد	بیت	نوع فرآیند و تعداد	بیت
مادی ۲	۳۵	رابطه ای ۱ مادی ۱	۱	مادی ۱	۳۵	وجودی ۱ رابطه ای ۱	۱
رابطه ای ۱ مادی ۱	۳۶	رابطه ای ۱ مادی ۱	۲	مادی ۱	۳۶	رابطه ای ۴ یک مورد	۲
رابطه ای ۱ مادی ۱	۳۷	کلامی ۱ رابطه ای ۱	۳	رابطه ای ۱ مادی ۱	۳۷	مادی ۲	۳
رابطه ای ۲ مادی ۱ وجودی ۱	۳۸	رابطه ای ۱ مادی ۱	۴	مادی ۱ وجودی ۱	۳۸	رابطه ای ۱ مادی ۱	۴
رابطه ای ۱ مادی ۱	۳۹	رابطه ای ۱ وجودی ۱	۵	رابطه ای ۱ مادی ۱	۳۹	مادی ۲	۵
مادی ۱	۴۰	رابطه ای ۱ مادی ۱	۶	مادی ۲	۴۰	رابطه ای ۱ مادی ۱	۶
مادی ۱	۴۱	مادی ۱ وجودی ۱	۷	مادی ۱	۴۱	مادی ۲	۷
رابطه ای ۱ مادی ۱	۴۲	وجودی ۱ مادی ۲ (مورد محذوف)	۸	مادی ۱	۴۲	مادی ۲	۸
رابطه ای ۱ مادی ۱	۴۳	رفتاری ۱ مادی ۱	۹	مادی ۱ ذهنی ۱	۴۳	رابطه ای ۱ مادی ۱	۹
مادی ۲	۴۴	مادی ۲	۱۰	ذهنی ۱	۴۴	مادی ۱	۱۰
رابطه ای	۴۵	مادی ۲	۱۱	مادی ۲	۴۵	رابطه ای ۱	۱۱

۲ مادی ۱						مادی ۱	
مادی ۱ ذهنی ۱	۴۶	مادی ۱ وجودی ۱	۱۲	مادی ۲	۴۶	مادی ۲	۱۲
رابطه ای مادی ۱	۴۷	مادی ۱ وجودی ۱	۱۳	مادی ۱	۴۷	مادی ۴	۱۳
مادی ۱ وجودی ۱	۴۸	مادی ۲	۱۴	مادی ۲	۴۸	مادی ۲ رابطه ای ۱	۱۴
مادی ۱ ذهنی ۱	۴۹	کلامی ۱	۱۵	مادی ۲	۴۹	مادی ۲	۱۵
مادی ۲	۵۰	مادی ۱ کلامی ۱	۱۶	رابطه ای ۱ مادی ۱	۵۰	رابطه ای ۱ مادی ۱	۱۶
مادی ۱ رفتاری ۱	۵۱	ذهنی ۱ رفتاری ۱	۱۷	مادی ۱ وجودی ۱	۵۱	رابطه ای ۱ مادی ۱	۱۷
مادی ۲	۵۲	مادی ۲	۱۸	مادی ۱	۵۲	رابطه ای ۱ مادی ۱	۱۸
مادی ۲	۵۳	رابطه ای ۱	۱۹	مادی ۱ وجودی ۱	۵۳	رابطه ای ۱ مادی ۱	۱۹
مادی ۲	۵۴	رابطه ای ۲ (یک مورد محذوف)	۲۰	رابطه ای ۱ مادی ۱	۵۴	رابطه ای ۱ مادی ۱	۲۰
مادی ۱ رفتاری ۱	۵۵	رابطه ای ۱ مادی ۱	۲۱	رابطه ای ۱ مادی ۱	۵۵	مادی ۲	۲۱
مادی ۱	۵۶	رابطه ای ۱ مادی ۱	۲۲	رابطه ای (محذوف) مادی ۱	۵۶	مادی ۲	۲۲
رفتاری ۲	۵۷	مادی ۲	۲۳	رابطه ای (یک مورد محذوف)	۵۷	مادی ۲	۲۳

۲۴	رابطه ای ۱ مادی ۱	۵۸	رابطه ای(محدوف) ۱ مادی ۱	۲۴	مادی ۲	۵۸	مادی ۱
۲۵	رابطه ای ۱ مادی ۱	۵۹	رابطه ای(محدوف) ۱ مادی ۱	۲۵	مادی ۲	۵۹	مادی ۲
۲۶	مادی ۱	۶۰	مادی ۱	۲۶	مادی ۳	۶۰	مادی ۱ رفتاری ۱
۲۷	وجودی ۲	۶۱	رابطه ای(محدوف) ۱ مادی ۱	۲۷	مادی ۲	۶۱	مادی ۲
۲۸	رابطه ای ۱ مادی ۱	۶۲	رابطه ای ۱ مادی ۱	۲۸	مادی ۲	۶۲	مادی ۲
۲۹	مادی ۱	۶۳	مادی ۲	۲۹	مادی ۲	۶۳	مادی ۲
۳۰	مادی ۱	۶۴	رابطه ای ۱ مادی ۱	۳۰	مادی ۱ رفتاری ۱	۶۴	مادی ۲
۳۱	مادی ۲	۶۵	رابطه ای ۱ مادی ۱	۳۱	رابطه ای ۱ مادی ۱	۶۵	مادی ۱
۳۲	مادی ۲	۶۶	مادی ۲	۳۲	مادی ۱	۶۶	مادی ۱
۳۳	رابطه ای ۱ مادی ۱	۶۷	رابطه ای ۱	۳۳	مادی ۲	۶۷	مادی ۱ وجودی ۱
۳۴	رابطه ای ۱ مادی ۱	۶۸	رابطه ای ۱ مادی ۱	۳۴	رابطه ای ۲	۶۸	مادی ۲

در این جدول فرآیندهای محذوف نیز در نظر گرفته شده اند؛ از مجموع ۱۲۷ فرآیند قصیده ی انوری ۸۴ فرآیند، مادی است که نشان می دهد رخدادها ی فیزیکی در متن غلبه دارد و همین امر نشان می دهد جنبه ی عینی متن بر دیگر جنبه های آن رجحان دارد. پس از فرآیند مادی، فرآیند رابطه ای با ۳۶ مورد قرار دارد. فرآیند وجودی ۵ مورد است که

می توان آن را در زمره ی فرآیند رابطه ای به شمار آورد که بر خصوصیات و ویژگی های بین پدیده ها دلالت می کند. فرآیند ذهنی ۲ مورد آمده است که نشان می دهد، متن پیچیدگی معنایی خاصی ندارد. در این قصیده از فرآیند های رفتاری که شاید در مباحث ادبی بسیار حائز اهمیت باشند، بویژه زمانی که افعال انسانی را به غیر انسان نسبت می دهیم و از این طریق صناعاتی مانند استخدام می سازیم، خبری نیست. همچنین فرآیند کلامی که به نظر می رسد باید در قصیده ی مدحی از جایگاه والایی برخوردار باشد، در این متن دیده نمی شود. در قصیده ی نظیری از مجموع ۱۳۱ فرآیند، ۸۴ مورد مادی، ۳۲ نمونه رابطه ای و وجودی، ۳ مورد ذهنی، ۳ مورد کلامی و ۸ مورد رفتاری است. چنان که آمار نشان می دهد مجموع فرآیند های دو قصیده، بسیار به هم نزدیک است؛ بخصوص در برخی نمونه ها مانند فرآیند مادی و ذهنی که تنها یک مورد اختلاف وجود دارد. براین مبنا می توان مدعی شد نظیری در این بخش به خوبی از انوری تقلید کرده است. از سویی نظیری از دو فرآیند کلامی و رفتاری استفاده کرده که در قصیده ی انوری از این فرآیندها خبری نیست؛ بویژه این که در قصیده ی نظیری ۸ نمونه فرآیند رفتاری دیده می شود و همانطور که اشاره شد چنین فرآیندی در متن ادبی، بسیار با اهمیّت است. وجود چنین فرآیندی را می توان به عنوان خلّاقیّت به شمار آورد.

وجه و زمان افعال

در قصیده ی انوری ۱۲۹ فعل به کار رفته است. زمان افعال این قصیده عبارت است از: ۷۱ مضارع اخباری (است، کم نزنند، کم نشود، ...)، ۲۹ ماضی ساده (بود، فکندند، بناکرد، ...)، ۶ ماضی نقلی است (گرفته است، نبسته است، بوسه ناداده، ...)، ۲ ماضی استمراری (نشدی = نمی شد، نشاندی = می نشاند) ۲۰ مضارع التزامی (بگیرند، رنگ دهد، کشد، بگیرد، ...) و افعال امر در معنی دعایی (نگهدار) همان گونه که ملاحظه می شود غلبه ی زمان افعال با فعل مضارع اخباری است که بیش از نیمی از زمان ها را به خود اختصاص داده است. این زمان نشان می دهد شاعر در مدح مخاطب بر جنبه های خبری و اثباتی تأکید کرده است و او را حائز ویژگی هایی دانسته که اکنون نیز از آن ها برخوردار است و در

وجود او نهادینه شده است. چنین زمانی برای مدح مناسب تر از دیگر زمان ها است. وجه افعال در قصیده ی انوری بدین صورت است: وجه خبری ۱۰۲ مورد، وجه التزامی ۲۶ و وجه امری ۱ نمونه. فراوانی وجه خبری نیز مانند زمان اخباری بر ویژگی ها، افتخارات و صفات برجسته و نهادینه ی ممدوح به شکل قطعی دلالت می نماید؛ در حالی که در وجوه التزامی که شرطی بودن آن ها بیشتر است، شاعر وجود ممدوح را علت بقا و استمرار حیات در پدیده های دیگر می داند. نکته ی در خور توجه این که در ساختار قصیده ی فارسی، بخش پایانی دربر دارنده ی افعالی دعایی است که به صورت امری بیان می شود؛ در این قصیده، تنها یک نمونه از چنین ساختاری دیده می شود که نشان می دهد این بخش مطابق سنت قصیده سرایی پیش از انوری نیست. همانطور که اصل قصیده به شیوه ی پیشینیان آغاز نشده است. در قصیده ی نظیری ۱۳۷ فعل به کار رفته است که زمان این افعال چنین است: ۷۷ مضارع اخباری (گویند، نمایند، دارند،...)، ۲۷ ماضی ساده (داد، نسق کرد، نبودند،...)، ۱۳ ماضی نقلی (شده است، شکفته است، برانداخته است،...)، ۳ ماضی استمراری (می دید، نمی کرد، جُستی = می جست)، ۱۷ مضارع التزامی (شود، بود، نگرد،...) وجه افعال در قصیده ی نظیری عبارت است از: وجه خبری ۱۲۰ مورد، وجه التزامی ۱۷ نمونه. نکته ی در خور توجه این که افعال مضارع در وجوه اخباری و التزامی، به یک روش ساخته شده؛ زیرا «در زبان فارسی دری ساخت ویژه برای مضارع التزامی وجود نداشته و مضارع اخباری در معنی التزامی هم به کار می رفته است.» (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۲۰۴) در قصیده ی نظیری نیز مانند قصیده ی انوری، غلبه با زمان مضارع و وجه خبری است. در بیشتر افعال و تعداد و وجه آن ها، مشابهت بسیاری میان دو شاعر دیده می شود. علت مشابهت چنین ساختاری موضوع قصیده از سویی و تقلید دقیق نظیری از سوی دیگر است.

مشارکین فرآیند

منظور از مشارکین فرآیند «عوامل و عناصری است که که ممکن است یکی از این ویژگی ها را داشته باشند: ۱) عامل فرآیند هستن. ۲) فرآیند بر آن ها اعمال می شود. ۳) از

فرآیند بهره مند می شوند.» (مهاجر، ۱۳۷۶: ۳۹-۴۰) در بیت زیر چمن، گل، بلبل، خزان و آن ها که محذوف است، مشارکین فرآیند هستند:

در باغ چمن ضامن گل گشت ز بلبل
آن روز که آوازه فکندند خزان را
(انوری، ۱۳۷۲: ۹)

مشارکین این دو قصیده در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ی ۲

بیت	مشارکین فرآیند (قصیده انوری)	بیت	مشارکین فرآیند (قصیده نظیری)
۱	جوانی، جمال، جهان، زمین، زمان	۱	ترتیب کهن، شاه جهانگیر، جهان
۲	مقدار شب (۲)	۲	او (محذوف) سپه و ملک، کار
۳	جمره، نفس، فاخته، زبان	۳	آن ها (محذوف)، دل و دستش
۴	چمن، گل، بلبل، خزان، آن ها (محذوف)	۴	این واقعه، آن ها (محذوف) دارنده تر، ضمان
۵	چمن باغ، ضامن، آن ها (محذوف)	۵	این حال و سرور، رقص
۶	بلبل، حال، سرو نوان	۶	خاک، حق، پرده
۷	آهو، نافه، آب	۷	رخساره ی خلق، رشک
۸	خام، صبا، رنگ ریاحین، رنگ، آب روان	۸	اعدا و موالی، عدل (محذوف) این، آن
۹	راز دل ابر، خاک، راز نهان	۹	حزمش، رگ، تاب و توان
۱۰	بادام دو مغز، لب، سراپای فسان	۱۰	کس، رضوان، جنان
۱۱	روز، نام و نشان	۱۱	حکم و رسوم، دخلی
۱۲	ژاله، سپر برف، کمان	۱۲	اسباب سعادت
۱۳	کوه، بیضه ی کافور، گوهر	۱۳	ذوق حضور، ره
۱۴	هوا (۲) خاصیت ابر، طبع دخان	۱۴	گردون، چشم، دبران
۱۵	نایژه ی ابر، عنان، سیلان	۱۵	شاه، سعیدان فلک

۱۶	ابر، طفل شکوفه، دهان	۱۶	شاه(محدوف) حس، شاه (محدوف) ،خامه
۱۷	لاله ی نورسته، شمع افروخته	۱۷	شاه (محدوف) اصابع، شاه (محدوف) ،نامه ی سر بسته
۱۸	رمح بهار، لعل سنان	۱۸	آن ها(محدوف) دوات و قلم، نام، لقب، نشان
۱۹	شه عادل منصور معظم، جهان	۱۹	ملک
۲۰	شاه سبک حمله، رغبت او، حمل گران	۲۰	کنیت و نام، لقب و نام
۲۱	بیلک و دسیت، کمان، حکم قران	۲۱	یاد تو، تشنه ی محروم، عطشان
۲۲	تیغ، طالع بد، حکم، عامل جان	۲۲	سودای تو، تاجر مفلس، زیان
۲۳	باره، راعی حزمش، نزول حدثان	۲۳	طالع، سعت ساحت، طالع(محدوف)، میان
۲۴	لشکر عزمش، ردیف سرطان	۲۴	طالع(محدوف) میان، کران
۲۵	ثور، عقرب، دبران	۲۵	طالع(محدوف) ۲، مکین، مکان
۲۶	تو(محدوف)، ملک ستان	۲۶	پدر ۲، تو، جان
۲۷	بهمان و فلان	۲۷	دور تو، دوران
۲۸	تو، خباز، هیأت نان	۲۸	شاخ طرب، آن ها(محدوف)، خزان
۲۹	گردون، بزم گهر آگین، خوشه، ره کاهکشان	۲۹	ملکان، ملک ۲، عنان
۳۰	گیتی، تشنگی خنجر خونخوار، کاسه، عطشان	۳۰	کوس، آهنگ بشارت،
۳۱	آن، تب لرزه ی حرب، عیسی، تار توان	۳۱	فتنه، کمان
۳۲	ابر، آبستنی، مادر کان	۳۲	عدل تو، تکبیر نیابت
۳۳	قهر تو، خفقان	۳۳	آن ها، آب و گل، ترکیب، معجون عناصر
۳۴	ناصیه ی کاه ربا، سعی تو، رنگ	۳۴	مشک، خفقان

		یرقان	
آن ها (محذوف)، ناف زمین، حرم کعبه، امن و امان	۳۵	گوزن، ران	۳۵
برق، سیلان	۳۶	آهن، الم پتک، خراشیدن سان	۳۶
بیضه ی انجم ۲، دخان	۳۷	انصاف، دیو، دکان	۳۷
فلک (محذوف)، رای تو، داغ فطیری	۳۸	عدل تو، یار	۳۸
جاه ، رنگ یرقان	۳۹	جاه تو، سکان سوادش، نام	۳۹
آن ها (محذوف)، کوس پر آوازه	۴۰	کسی، مهر	۴۰
سیاره ی قطاع، ره کاهکشان	۴۱	هزبران	۴۱
عزم تو، شفقت و انصاف، دکان	۴۲	پیکار پرستان	۴۲
حزم تو، شفقت و انصاف ، دکان	۴۳	خاک، پیکار پرستان (محذوف) ، نگون، ستان	۴۳
مجهول، فهم تو، گمان	۴۴	میان هوا	۴۴
سیرت و سان ۲، کسی	۴۵	افعی قربان، سر، کرکس ترکش، پر	۴۵
حدثت. کس، آن ها (محذوف)، شجاع، جبان	۴۶	نعره، راه هوا، نعره، پای فغان	۴۶
تو ، خاصیت نفع، حرز بره	۴۷	چشم زره، ضربان	۴۷
اثری ، رطوبت	۴۸	پای کس، دستت، عنان	۴۸
آن ، بازو	۴۹	غبار، شیر علم، شیر ژیان	۴۹
لمعه ی تیغ ، نطفه ی کان	۵۰	رمح، شجاع، جبان	۵۰
سپه، آهو بره	۵۱	شمشیر تو، خوان، کاسه ی سر	۵۱
سپاه (محذوف)، خلدنگ، یلان، سوی	۵۲	تیغ جهاد، میراث خور، مرثیه خوان	۵۲
سپاه (محذوف)، راهی، جایی	۵۳	تو، جهانی	۵۳
عطسه ی سودا، آتش	۵۴	گیتی، پیر	۵۴
زبانہ ی رعد ، بره، حمل	۵۵	گیتی، دامن، میان	۵۵
سکان سماوات، مکان	۵۶	آن ها (محذوف)، الوف دوران	۵۶

۵۷	او(محذوف) ، مقصود	۵۷	سپه ۲، زمین ، زمان
۵۸	صدر، فتواه آیت و شان	۵۸	صید، آن ها (محذوف)، میان
۵۹	او(محذوف) ۲	۵۹	مکان ها، گاو زمین
۶۰	تدبیر صواب، قیصر و خان	۶۰	مغز سر بره ، شکم
۶۱	جلال الدین، آن ها(محذوف) انصاف	۶۱	کرکس گردون ۲، حیوان
۶۲	زبان قلمش، سحر بیان	۶۲	کرکس گردون(محذوف)، زله ی خوان
۶۳	محیط کف، ابر، محیط کف، حاصل باران بنان	۶۳	شه ۲، دست ، طوق طیران
۶۴	او(محذوف) ، سیرت و سان	۶۴	نسرین ۲، مان
۶۵	او(محذوف) ، یزدان، مرتبه	۶۵	شاه(محذوف) ، راه ملاقات
۶۶	گمان، روز یقین، خبر، پشت عیان	۶۶	خون ، بیم
۶۷	پایگه ، تخت کیانی و شاهی، آن هر دو	۶۷	شاه (محذوف) طعمه ، ت ذروان ، جولان
۶۸	شه، تو، این ناگزران	۶۸	شهباز ، حله ی خارا و کتان

بر اساس آمار و جداول در قصیده ی انوری با ۲۰۳ مشارک و در قصیده ی نظیری با ۲۰۶ مشارک مواجهیم. آمار خود گویای نزدیکی سروده ی دو شاعر در این بخش است. نکته ی قابل توجه این که در اکثر ابیات دو قصیده، مشارکین فرآیند ذکر شده اند و کمتر با مشارکین محذوف روبرو هستیم. نیز در هر دو قصیده مشارکان مکرر اندکی وجود دارد. محذوف نبودن و تکرار نشدن مشارکین، سبب ساز ورود مشارکین متعدّد و فراوان در هر دو قصیده شده است و همین امر موجب تنوع و چندگانگی آن ها گردیده که در بخش بعد بدان اشاره می شود.

کنشگر، کنش پذیر، حامل، محمول

مشارکین بر حسب نوع فرآیند: در فرآیند مادی اگر فعل، لازم باشد با یک مشارک یعنی «کنشگر» مواجهیم و اگر فعل متعدی باشد علاوه بر کنشگر، «کنش پذیر» نیز وارد فرآیند

می شود. «در فرآیند رابطه ای، کسی یا چیزی که خصوصیت ویژه ای داشته باشد» حامل» و ویژگی منتسب به حامل را «محمول» می گویند. (آقا گلزاده، ۱۳۸۴: ۱۴) فرآیند ذهنی دو مشارک دارد: «کسی که می اندیشد» مدرک» و آن چه احساس یا درک می شود، «پدیده» نامیده می شود. (اگینز، ۲۰۰۲: ۲۲۵-۲۳۳) در فرآیند کلامی «آن که چیزی می گوید» «گوینده»، آن که مورد خطاب واقع می شود «مخاطب» و پیامی که گفته می شود «گفته» نام دارد. فرآیند رفتاری تنها یک مشارک به نام «رفتارگر» دارد. (همان، ۲۳۳۹) فرآیند وجودی نیز تنها یک مشارک به نام «موجود» دارد. چنان که ملاحظه می شود، فرآیند کلامی سه مشارک، فرآیند ذهنی دو مشارک، فرآیند مادی گاهی دو مشارک و زمانی یک مشارک، فرآیند رابطه ای دو مشارک و فرآیند رفتاری و وجودی هر کدام یک مشارک دارند. از آن جا که عمده ی مشارکین این دو قصیده در فرآیندهای مادی و رابطه ای بوده اند، مشارکین این دو فرآیند در جدول زیر نشان داده شده و به مشارکان سایر فرآیندها، به دلیل قلت یا نبود، خارج از جداول اشاره شده است.

جدول شماره ی ۳

کنشگرها و کنش پذیرها در قصیده ی انوری		کنشگرها و کنش پذیرها در قصیده ی نظیری	
کنشگر	کنش پذیر	کنشگر	کنش پذیر
جمره ، فاخته ، آن ها	نفس، زبـان ، آوازه،	شاه جهانگیر ، شاه	جهان ، سپه و ملک ،
(محذوف) چمن باغ،	تقاضا، ضمان، نافه ،	جهانگیر(محذوف) ، آن	دارنده تر، پرده ی
آن ها (محذوف) ،	رنگ ریاحین ، راز	ها (محذوف) ۲، حق ،	جنات ، رشک ، این
بلبل، آهو، آب، صبا ،	نهان، نام و نشان،	رخساره ، پیر و جوان،	و آن ، تاب و توان ،
خاک ، روز، لب ، ژاله،	سو، پای فسان ،	حزمش، رگ، کسی ،	ملک ، جنان ، چشم،
رستم نیسان ، کوه ،	سپر، کمان، بیضه ی	رضوان ، دخل ، اسباب	دبران ، حس، خامه ،
تو ، ابر ۲ ،	کافور ، گهر ، خاصیت	سعادت ، ذوق	اطلاق اصابع ، نامه ،
شکوفه، لاله، رمح	عنان سیلان ، دهان ،	حضور، گردون ، آن ها	دوات و قلم ، نام و
بهار، شه عادل، رغبت	اطراف ، سنان ، جهان ،	(محذوف) ، سعیدان فلک،	لقب و نشان ، عطش
او ، بیلک و دست ،	حمل گران ، حکم قران	او (محذوف) ۴، آن ها	تشنه ، زیان ، سعت
کمان، تیغش، حکمش	، طالع بد ، عامل جان ،	(محذوف) ۲، تشنه ی	ساحت ، کران و

میان ، تو ۲ ، میان و کران ، مکین و مکان، تو ، جان ، عیش و سرور ، بازگشتن، خزان ، ملک، عنان ، صد آهنگ، کمان ، تکبیر نیابت، ترکیب آب و گل ، نشئه جان ، ناف زمین ، امن و امان ، سیلان ، دخان ، رای تو ، یرقان ، کوس ، ره کاهکشان ، کش ران ، دکان ، گمان ، سیرت و سان ، کس ، حیوان ، زگه ی خوان ، دست ، طریق طیران ، امان ، راه ملاقات ، طعمه ، جولان ، حله ی خارا و کتان	محرور ، تاجر مفلس ، طالع ۶ ، چشم همه ۲ ، دور تو ۲ ، آن ها (محدوف) ، ملکان ، ملک ، کوس ، آن فتنه ، عدل تو ، آن ها (محدوف) ، معجون عناصر ، آن ها (محدوف) ، حرم کعبه ، برق ، بیضه یانجم (محدوف) ، سپهر (محدوف) ، داغ فطیری ، آب (محدوف) ، آن ها ، سیاره ی قطع ، پهلوی عزم تو ، شفقت و انصاف ، مجهول ، قلم تو ، حدثت ، کرکس گردون ۲ ، شاه ۲ ، نسرین ۲ ، شاه (محدوف) ، خون ، ممدوح (محدوف) ، تدروان ، شهباز	باره ، پرّه ، دبران ، ملک سپاری ، نام ، هیأت نان ، هم خوشه ، هم کاسه ، کسی ، تار توان ، آبستنی نار ، خفقان ، رنگ یرقان ، نقط ران ، الم پتک ، خراشکیدن ، دکان ، چنان ، نام کران ، جایی ، نگون و ستان ، سر ، آن ، پر ، راه هوا ، پای فغان ، ضربان ، عنان ، شیر ژیان ، شجاع ، جبان ، خوان ، میراث خوار ، مرثیه خوان ، دامن ، الوف دوران ، آیت و شان ، قیصر و خان ، انصاف رسان ، ابر ، حاصل باران ، چنین سیرت و سان ، مرتبه ، روز یقین ، پشت اعیان ، این ناگزران	، راعی حزم ، لشکر حزم ، او ، ملک ستان ، بهمان وفلان ، خبّاز ، گردون ، گیتی ، تب لرزیه ی حرب ، عیسی ، ابر سر تیغ ۲ ، قهر تو ، سعی تو ، گوزن ، آهن ، دیو ، عدل ، سکان سواد ، کسی ، مهر ، هزبران ، پیکار پرستان ، خاک ، آن ها (محدوف) ، میدان هوا ، افعی قربان ، کرگس ترکش ، نعره ۲ ، چشم زره ، دستت ، غبار ، شیر علم ، رمح ، شمشیر تو ، تیغ جهاد ، گیتی ۲ ، آن ها (محدوف) ، مفتی نفاذش ، تدبیر صوابش ، آن ها (محدوف) ، زبان ، قلم ، محیط کف او ۲ ، یزدان ، گمان ، خبر ، تو (رب)
---	--	--	--

جدول شماره ی ۳ نشان می دهد در قصیده ی انوری ۸۱ کنشگر و در قصیده ی نظیری

۶۹ کنشگر وجود دارد؛ همچنین در قصیده ی انوری ۷۶ کنش پذیر و در قصیده ی نظیری ۷۳

کنش پذیر دیده می شود. براین اساس می توان گفت اولاً همان طور که پیشتر اشاره شد، فرآیندهای مادی در هر دو قصیده، بسیار بالاتر از سایر فرآیندها است؛ نتیجه ی این امر همین تعداد زیاد مشارکین به صورت کنشگر و کنش پذیر است. البته در قصیده ی انوری، تعداد فراوان کنشگرها از وجود افعال لازم و یک مشارکتی حکایت می کند؛ همانطور که در قصیده ی نظیری، تعداد بیشتر کنش پذیرها دالّ بر افعال متعدّی و در نتیجه ساخت های دو مشارکتی است. طبق این آمار می توان گفت نظیری بیش از انوری زمینه ی حضور مشارکین را فراهم آورده است. همچنین تکراری نبودن مشارکین دالّ بر تنوع و خلاقیت هر دو شاعر است.

جدول شماره ی ۴

حامل و محمول در قصیده ی نظیری		حامل و محمول در قصیده ی انوری	
محمول	حامل	محمول	حامل
تازه، به نسق، ضامن، یقین، عکس سپهر، به ترتیب، دخل شرع، شاهد، سنان، زیر و زبر، مستعمل خاص، مهمل، زلال، مال، سرسبز، خانه نشین، بویا، لازم، لغو، آب، سمند، دیار، هویدا، سرو، سیر	ترتیب کهن، کار قاعده دان، دل و دست، این واقعه، خاک، اعدا و موالی، حکم او، او (محذوف)، ملک ۲، کنیت و نام، لقب بهمان و فلان، یاد تو، سودای تو، شاخ طرب، آن فتنه، مشک، خفقان، بیضه ی انجم، جاه عدوی تو، عزم تو، حزم تو، سیرت و سان، مغز سر بره، شکم انسی و جان	نو، فزون، بدل، ناقص، زاید، ضامن، کم، نهان، دو مغز، تری، عجب، بریده، دایه ی طفل، شمع افروخته، پیروز، سبک حمله، ناقص و بی چشم، قرص سپهر، مصر، جهان، آرام، سلک، طعمه شدگان، جوان ۲، باقی، قائم، عیان، روح فزاینده، پای گشاینده، تفضیل بر معجزه، رشک ملوک، باقی، مقصد، ناگزران	حال، مقدار شب ۲، مقدار روز، چمن، حال سرو، راز دل ابر، بادام، هوا، خاصیت ابر، نایژه ی ابر، ابر، لاله، شه عادل، او، ثور، تو، انصاف، جاه تو، پای کس، رمح، گیتی ۲، جهان، تو ۲، او ۲، مقصود، سحر بیان، او، این پایگاه، آن دو، شه

همان طور که پیشتر اشاره شد، فرآیندهای رابطه ای دو مشارک دارند: حامل و محمول. محمول در واقع ویژگی یا صفتی است که به حامل منتسب می شود. در قصیده ی انوری ۳۴ حامل و ۳۶ محمول و در قصیده ی نظیری ۳۱ حامل و ۲۶ محمول دیده می شود. چنان که مشهود است در این بخش نیز آمار کاربرد حامل و محمول، بخصوص حامل ها، در ابیات دو شاعر، بسیار به هم نزدیک است. آن گونه که قبلاً آمد، در قصاید مزبور فرآیند های رابطه ای پس از فرآیند های مادی در جایگاه دوم قرار دارند؛ نتیجه این که مشارکین این فرآیند نیز منطقاً کمتر از فرآیند مادی است. یکی از دلایل این موضوع یعنی کمی فرآیندهای رابطه ای در مقایسه با فرآیند های مادی در این دو متن، نبود بخش آغازین قصیده یا همان تشبیب و تغزل در هر دو قصیده است؛ حال آن که در قصاید فارسی عمدتاً چنین فرآیندی در آغاز و انتهای قصیده - بخش شریطه - روی می دهد.

عناصر پیرامونی

کفه ی جود(مکانی)	۱۷	بر نظر(مکانی)، به بغل (چگونگی)
به فلک(مکانی)، به عمل(چگونگی)	۱۹	از امن، از نام(سببی)
خارج(مکانی)	۲۱	از آن(سببی) در بادیه(مکانی)
داخل(مکانی)	۲۲	از آن(سببی)، با کیسه(سببی)
چو عقرب(چگونگی)، در قبضه(مکانی)	۲۳	چندان(مقدار)
همچون شه شطرنج(چگونگی)	۲۴	یک چند(زمانی)، به کران(مکانی)، چو پرگار(چگونگی)
گه جلوه گری(زمانی)	۲۵	زکران(مکانی)، به مکان پدر(مکانی)، به روی تو(سببی)
عرصه ی بزم،(مکانی)	۲۶	شیرین تر از جان(چگونگی)، با ملک(مقدار)
تشنگی(چگونگی)	۲۷	از عیش و سرور(سببی)، کنون(زمانی)، پس(زمانی)
تن او(مکانی)	۲۸	از برگ و بر(سببی)، زان(سببی)، در

هند(مکانی)		
به کوشش(سببی)، در قبضه ی حکم(مکانی) سَبک(چگونگی)	۲۹	بر کوه،کان (مکانی)
از پرده (مکانی)، به آهنگ (چگونگی)	۳۰	در خون دل لعل(مکانی)، گره وار(چگونگی)
از عدل(سببی)، در چشم(مکانی)، پیوسته(چگونگی)	۳۱	ناصیه ی کاه ربا(مکانی)
در نافه(مکانی)، به سودا(سببی)	۳۴	در بیشه(مکانی)، سال نخست(زمانی)، از نقط (مکانی) از پی داغ تو(سببی)
به نوال (سببی)	۳۵	در گاز(مکانی)، به امید(سببی)
به بستن(سببی)	۳۶	در رسته(مکانی)، از جهت(سببی)
برسقف فلک(مکانی)، از مطبخ(مکانی)	۳۷	بر عالم(مکانی)، چون مهر(چگونگی)
ز اختر(سببی)	۳۹	روز(زمانی)، چو آتش(چگونگی)، همه) مقدار، در آهن و فولاد (چگونگی) باد (مکانی)
از دبدبه(سببی)، برگوشه(مکانی)	۴۰	از فتنه (سببی)، این سوی فلک (مکانی)
ز خوف(سببی)، به هر صبح(زمانی)	۴۱	از زلزله(سببی)، چنان(چگونگی)
از غایت تیزی(سببی)، در اندیشه(مکانی)	۴۲	از عکس سنان(سببی)
پیوسته(چگونگی)، به آیین (چگونگی)، در او(مکانی)	۴۳	گاهی۲(زمانی)، ز فغان(سببی)، به لب (مکانی)
به یقین (چگونگی)	۴۴	اندر دل (مکانی)
به غلط(چگونگی)، از چهره (سببی)	۴۶	در هیچ رکابی(مکانی)، آرام (چگونگی)، آن لحظه (زمانی)
در اصداد(مکانی)	۴۷	بر سمت غبار(مکانی)، ز جولان(سببی)،

		چون (چگونگی)
دل آسا(چگونگی) ، در حرب(مکانی)	۴۹	هر لحظه (زمانی) ، در دست(مکانی)، از بس(مقدار)
بر چرخ چهارم(مکانی) ، از صلب پدر(مکانی)	۵۰	از کاسه سر(سببی)
روزی(زمانی) ، از پی نخجیر(سببی) ، بر زیر(مکانی)	۵۱	اندر دو نفس(زمانی)
از همه سو (مکانی)	۵۲	در کف حفظ خدا(چگونگی)
راهی(مکانی)، جای(مکانی)	۵۳	بار دگر، هر سال(زمانی)، بتدریج(مقدار)
در مغز تفک(مکانی) ، از دهان(مکانی)	۵۴	در دامن(مکانی)
بر چرخ(مکانی) ، از پیش(مکانی)	۵۵	در آحاد سنین(زمانی)
از هول(سببی) ، مکان(مکانی)	۵۶	از آثار وجودش(سببی)
به یک بار(چگونگی)، نوعی که (چگونگی)	۵۷	در ملک(مکانی)
از بس(مقدار) ، به میان(مکانی) ، از دامن(مکانی) میان(مکانی)	۵۸	در حال رضا (چگونگی)، در وقت سخط(زمانی)
بر آن خوان(مکانی)	۶۰	از درگه عالیش(مکانی)
چندان(مقدار)، سر تا سر دنیا(مکانی)	۶۲	آنجا، بر ابر(مکانی)
به سوی جعبه(مکانی)، طریق طیران(مکانی)	۶۳	از سیرت و سان (سببی)
از نه فلک(مکانی)، سر سدره(مکانی)	۶۴	از مرتبه دانسی(سببی)، در آن مرتبه (مکانی)
آن دم(زمانی)، ملاقات (سببی)	۶۵	چو(چگونگی)، در بدن(مکانی)
بر رخ هدهد(مکانی) ، از تاج سلیمان(مکانی)، از سر طاووس(سببی)	۶۶	
آنگه(زمانی) در بال (مکانی)	۶۷	

«عناصر پیرامونی شامل مکان، زمان، شیوه عمل چگونگی است که معمولاً در گروه قیدی و گروه حرف اضافه متجلی می شود. این عناصر به گونه های زمانی، مکانی، سببی، چگونگی و... تقسیم می شوند.» (مهاجر، ۱۳۷۶، ۴۰-۴۷) برخی این دیدگاه هلیدی (۱۹۸۵) را پذیرفته اند و عناصر پیرامونی را بسیار فراتر از آن دانسته اند. در این پژوهش عناصر پیرامونی دو قصیده بر اساس دیدگاه هلیدی در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۵

عناصر پیرامونی در قصیده ی انوری	بیت	عناصر پیرامونی در قصیده ی نظیری نیشابوری
جهان(مکانی)، زمین و زمان(مکانی) - (زمانی)	۱	جهان(مکانی)
شب، روز(زمانی)	۲	از قاعده دانی(سببی)، به نسق(سببی)
باغ(مکانی)، آن روز(زمانی)	۳	در روزنخستین(زمانی)
سرسبزه(مکانی)، از خاک چمن(سببی)	۵	از اثر، از دل آزاد(سببی)
از گرد(سببی)	۶	از اثر تربیتش(سببی)، از جنات(مکانی)
نظر(مکانی)	۷	از اثر عدل(سببی)، به هم (چگونگی)
در سایه(مکانی)، کنون(زمانی)	۸	به ترتیب (چگونگی)، در ضابطه، در رابطه (چگونگی)
از خنجر الماس(سببی)	۹	به باطن(مکانی)، در تن(مکانی)
کتف کوه(مکانی)، چون(زمانی)	۱۰	به این ضابطه(چگونگی)، به تماشا(چگونگی)
از غایت تری(سببی)	۱۲	در آن حیطة(مکانی)
یازان(چگونگی)، سوی ابر(مکانی)	۱۳	به هم (چگونگی)، در آن حلقه(مکانی)
زچه(چگونگی)	۱۴	از پی ملک(سببی)، چون مردمک به هم (چگونگی)، از چشم(مکانی)
معرکه(مکانی)، از خون دل(سببی)	۱۵	بر اثر(مکانی)
از عدل(سببی)	۱۶	از خرد(سببی)، به انامل(مکانی)

بر اساس جدول ۵ در بیشتر ابیات، عناصر پیرامونی دیده می شود و کمتر بیتی است که فاقد عنصر پیرامونی باشد. بسامد این عناصر در قصیده ی انوری ۹۵ مورد است که عبارتند از: مکانی ۳۹، زمانی ۱۸، سببی ۱۸، چگونگی ۱۶ و مقدار ۴ مورد. در قصیده ی نظیری

فراوانی این عناصر ۱۱۵ مورد و بدین صورت است: مکانی ۵۱، زمانی ۸، سببی ۲۹، چگونگی ۲۲ و مقدار ۵ نمونه. ملاحظه می شود که هر دو شاعر از عناصر مکانی بیش از سایر عناصر بهره برده اند. در این بخش نظیری بیش از انوری به عنصر مکان توجه کرده است: از آن جا که مکان اغلب جنبه ی عینی و مادی دارد، می توان گفت قصیده ی نظیری عینی تر از قصیده ی انوری است. عناصر سببی نیز در ابیات نظیری بیشتر نمایان است: در متون مدحی، عمدتاً وجود ممدوح را عله العلل وقوع پدیده ها و کردارهای شگرف می دانند و همین امر موجبات غلو و اغراق های شاعرانه در مدح می شود. نتیجه این که می توان مدعی شد ابیات نظیری اغراق آمیزتر از ابیات انوری در این قصیده است. پس از آن چگونگی است که بر روند فرآیند دلالت می کند. این ویژگی نیز در ابیات نظیری بیش از انوری است؛ به عبارتی نظیری، بر روند فرآیند بیش از انوری توجه کرده است، در ابیات انوری به فرآیند زمانی بیش از نظیری توجه شده است؛ به دیگر سخن، ابیات انوری زمانمندتر از ابیات نظیری است. عنصر مقدار یا کمیت نیز در هر دو متن نزدیک به هم است.

مختصات دستگاه زبانی

ماده ی اصلی شعر یا نثر، زبان است؛ «زبان نیز از دستگاه های مختلفی مانند دستگاه آوایی، دستگاه واژگانی و دستگاه دستوری (نحوی) تشکیل شده است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۲) تغییرات در هریک از دستگاه های مذکور، علاوه بر نشان دادن دگرگونی ها و خلاقیت یا نوآوری مؤلفان، ساختار متن را نیز متأثر می کند. در این پژوهش هریک از دستگاه های زبان را در این دو قصیده بررسی می نماییم.

دستگاه آوایی: تحولات آوایی در قصیده ی انوری سهم چندانی ندارد؛ چنین دگرگونی هایی به صورت حذف و ابدال مشاهده می شود. حذف و ابدال «طبق قوانین زبانشناسی و ادبی از جمله مطابق اصل زحمت کمتر و قرینه سازی و ضرورت شعری و آسان گردانی و سبک سازی سخن صورت می گیرد.» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۷۱) در قصیده ی مذکور، حذف صامت همزه و ابدال مصوت های بلند به چشم می خورد. معمولاً در جایی که صامت

همزه، پس از حرف ربط یا اضافه قرار گرفته، حذف شده است؛ مانند: وین (و این)، زان (از آن) و نیز در ابتدای واژه ها صامت همزه حذف و کلمه کوتاه تر شده است؛ نظیر: فزون (افزون)، گر (اگر) همزه ی آغازی فعل «است» نیز هنگامی که این فعل در کنار مسند یا جزء غیر فعلی خود قرار گرفته حذف شده است: جمالست، گرفتست، گشادست.

ابدال: با ابدال مصوت های بلند نیز واژه ها کوتاه یا کوتاهتر شده اند؛ مانند تبدیل مصوت های بلند به کوتاه درواژه های شه، ره، درگه، بیهده، دگر. چنین مختصات آوایی در قصیده ی نظیری نیز عیناً دیده می شود. تنها مختصه ی آوایی قصیده ی نظیری که در قصیده ی انوری وجود ندارد، فرآیند تخفیف است؛ یعنی تبدیل حروف مشدّد به غیر مشدّد که خود گونه ای حذف محسوب می شود؛ مانند بره (برّه) جدول زیر نشان دهنده ی تحولات آوایی این دو قصیده است:

جدول شماره ی ۶

نظیری نیشابوری		انوری	
نمونه ها	فرآیند	نمونه ها	فرآیند
زانگونه، ز، گر، ور، ار، پهلوش، شکفتست، نکر دست، گرفتست، کزان، فزون، زانست، فتد	حذف	وین، زان، فزون، گر، جمالست، گرفتست	حذف
ره، سیه، شه، سپه، بد، آنگه	ابدال	شه، ره، درگه، پایگه، دگر، بیهده، شهی	ابدال
بره، آهوبره	تخفیف	-----	تخفیف

چنان که ملاحظه می شود تغییرات دستگاه آوایی در این دو قصیده، ویژگی های عمومی دستگاه آوایی زبان فارسی است؛ اگر چنین مختصاتی در شعر فارسی قرون اولیه مختصه ی سبکی محسوب می شود، در روزگار انوری که به قول خانلری دوره ی رشد و تکوین زبان فارسی است و دوران نظیری که «دوره ی فارسی درسی است» (خانلری، ۱۳۶۹: ۳۵۹) به ویژگی های پایدار زبانی تبدیل شده اند و نمی توان آن ها را مختصه ی (features) سبکی دانست. می توان گفت ویژگی های مذکور عمدتاً در شعر

انوری و پیش از او دیده می شود و نظیری که بخصوص در این قصیده از انوری تبعیت کرده، از مختصات زبانی وی، بسیار متأثر بوده است.

دستگاه واژگانی

در ۶۸ بیت قصیده ی انوری حدود ۹۸۰ کلمه وجود دارد که بی شک برخی از آن ها مکرر است، بویژه «را» که ردیف قصیده است. از تعداد کل کلمات، ۱۲۶ کلمه فعل و مابقی، دیگر انواع کلمه است؛ از افعال نیز ۹۴ مورد فعل ساده (مانند: بود، گشت، فکندند، بگشاد، دهد، ببرد)، ۲۳ مورد فعل مرکب (مانند: کم نزند، گم کند، جفت کند، خم ندهد)، ۹ مورد فعل پیشوندی (مانند: برآورد، بازکند، درشکند، برانگیخت)، ۲ مورد عبارت فعلی (به خم آورد، در سخن آید) و ۱ مورد فعل غیر شخصی است. (حاصل نتوان کرد) از انواع دیگر کلمه استفاده از حرف و اسم بسامد بالایی دارد. از نظر ساخت کلمات، واژه های ساده کارکردی به مراتب افزونتر از دیگر ساخت ها دارد؛ به گونه ای که حدود ۸۰۰ واژه را دربر می گیرد؛ (مانند: جهان، زمین، زمان، شب، روز، فزون،...) از ساخت های دیگر ۳۱ واژه مشتق است؛ یعنی «کلمه ای که با ضمیمه یا پاره کلمه [تکوازشتقاقی] ساخته شده باشد» (فرشیدورد، ۱۳۷۵: ۱۳۸۱)؛ (مانند: جوانی، آوازه، فروخته،...)، ۱۹ واژه مرکب (مانند: سبک حمله، ملک ستان، مرتبه دان، ...) و ۷ واژه مشتق - مرکب است؛ (مانند: فروبرده، نورسته، ملک ستانی، جلوه گری) در قصیده ی نظیری نیز در ۶۸ بیت برگزیده ی آغازین حدود ۹۸۰ واژه به کار رفته است. طبعاً تعداد فراوانی از واژه ها بویژه حروف از جمله «را» که ردیف قصیده است، تکرار شده است. از تعداد کل واژه ها ۱۳۷ کلمه فعل و بقیه از دیگر انواع کلمه است. از مجموع افعال ۱۰۷ فعل ساده (مانند: شد، داد، نمایند، خواند، نشاند)، ۲۵ فعل مرکب (مانند: نسق کرد، اطلاق کند، القا کند، جبر کند، قبض نکردند)، ۳ فعل پیشوندی (بازبگردد، برآورد، برانداخته است)، ۱ فعل عبارت فعلی (به سخن آرد) و ۱ فعل غیر شخصی است. (نتوان یافت) از دیگر انواع کلمه ساخت واژه ها به این شرح است: تعداد واژه های مشتق ۲۳ (مانند: دارنده تر، دایره سان، شکاری)، واژه های مرکب ۱۸ (مانند: جهانگیر، قاعده دان، خانه نشین) و واژه های مشتق - مرکب ۱۰ مورد است (مانند:

قاعده دانی، بپریده زبان، بدپریده دهان) دیگر واژه ها، ساده هستند؛ (مانند: کهن، سپه، ملک، دل، دست، شه،...) جدول مقایسه ای واژگان انوری و نظیری به این شرح است:

جدول شماره ی ۷

شاعر	تعداد ابیات	تعداد کلمات	کلمات ساده	کلمات مشتق	کلمات مرکب	تعداد فعل	فعل ساده	فعل مرکب	پیشوند دی	عبارت فعلی	فعل غیر شخصی
انوری	۶۸	۹۸۰	۷۹۸	۳۱	۱۹	۱۲۹	۹۴	۲۳	۹	۲	۱
نظیری	۶۸	۹۸۰	۷۹۵	۲۳	۱۸	۱۳۷	۱۰۷	۲۵	۳	۱	۱

این آمار نشان می دهد که انوری تمایل شدیدی به استفاده از فعل ساده داشته و استفاده از فعل ساده در روانی کلام، کوتاهی، پیوستگی و کثرت جمله ها مؤثر بوده است. اشتقاق و واژه سازی نیز در دستگاه واژگانی قصیده ی انوری تا حدودی چشمگیر است. در عین حال بسامد بالای کلمات ساده، تسلط انوری را در روانی شعر و بهره گیری از واژگانی که بتوانند شعر او را در محور همنشینی روان بنمایند، نشان می دهد. در قصیده ی نظیری نیز مانند انوری تمایل بیشتری به فعل ساده دیده می شود و این سادگی به روانی کلام او کمک کرده و تشابه بیشتری را با شعر انوری نشان می دهد؛ همچنین در مورد استفاده از واژگان غیر از فعل، می توان گفت که در مجموع نظیری مانند انوری ساخت ساده را بیش از دیگر ساخت ها به کار برده است، کاربرد واژگان مشتق وی ۱۰ مورد از انوری کمتر است، در واژگان مرکب و مشتق - مرکب، تقریباً مشابه یکدیگرند.

دستگاه نحوی: در دستگاه نحوی تمام مختصاتی که به ساختار نحوی اعم از تعداد جمله ها، ویژگی های آن ها، روابط نحوی و... بررسی می شود.

مختصات جملات دو قصیده: در ۶۷ بیت انوری ۸۷ جمله وجود دارد، از این تعداد ۴۵ جمله ساده است؛ مانند: (اکنون چمن باغ گرفتست تقاضا) و ۴۲ جمله مرکب است؛ از

مجموع جملات مرکب، ۴۱ جمله دوبندی است؛ یعنی از یک جمله ی پایه و یک پیرو تشکیل شده است:

(مانند: آهو به سر سبزه مگر نافه بینداخت کز خاک چمن آب بشد عنبر و بان را)

و یک جمله هم سه بندی است؛ یعنی یک پایه و دو پیرو دارد:

از غایت تری که هوا راست عجب نیست گر خاصیت ابر دهد طبع دخان را

(انوری، ۱۳۷۲: ۱۰)

در ۶۸ بیت نظیری، ۹۰ جمله وجود دارد که ۴۷ جمله ساده است؛ (مانند: ترتیب کهن تازه شد آیین زمان را) و ۴۳ جمله مرکب است. جملات مرکب از ۴۲ جمله ی دو بندی (مانند: گویند که در روز نخستین دل و دستش ضامن شده محصول یم و حاصل کان را) و یک جمله ی سه بندی تشکیل شده است:

این واقعه البته یقین است که رسم است دارنده تر از خویش نمایند ضمان را

(نظیری، ۱۳۷۹: ۳۲۸)

تفصیل جملات دو قصیده در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ی ۸

شاعر	تعداد ابیات	تعداد جملات	جمله ساده	جمله مرکب	مرکب دو بندی	مرکب سه بندی
انوری	۶۸	۸۷	۴۵	۴۲	۴۱	۱
نظیری	۶۸	۹۰	۴۷	۴۳	۴۲	۱

جدول فوق نشان می دهد تعداد و ساختار جملات در دو قصیده، بسیار به هم نزدیک و شبیه است. به دیگر سخن می توان گفت موضوع قصیده و تقلید نظیری چنین ساختار مشابهی را به وجود آورده است.

نتیجه

حاصل پژوهش نشان می دهد دستگاه های مختلف زبانی شعر نظیری، در متن بررسی شده، به دستگاه های زبانی انوری بسیار شبیه و نزدیک است: مجموع فرآیندهای دو قصیده بسیار به هم نزدیک است؛ بخصوص در برخی نمونه ها مانند فرآیند مادی و ذهنی که تنها

یک مورد اختلاف وجود دارد؛ بر این مبنا می توان مدعی شد نظیری در این بخش بخوبی از انوری تقلید کرده است؛ از سویی نظیری از دو فرآیند کلامی و رفتاری استفاده کرده که در قصیده ی انوری از این فرآیندها دیده نمی شود؛ بویژه این که در قصیده ی نظیری ۸ نمونه فرآیند رفتاری دیده می شود. از نظر وجه و زمان، در قصیده ی نظیری مانند قصیده ی انوری، غلبه با زمان مضارع و وجه خبری است. در بیشتر افعال و تعداد و وجه آن ها، مشابهت بسیاری میان دو متن دیده می شود. علت مشابهت چنین ساختاری، موضوع قصیده از سویی و تقلید دقیق نظیری از سوی دیگر است؛ در اکثر ابیات دو قصیده مشارکین فرآیند ذکر شده اند و کمتر با مشارکین محذوف روبرو هستیم. نیز در هر دو قصیده مشارکان مکرر اندکی وجود دارد. محذوف نبودن و تکرار نشدن مشارکین، سبب ساز ورود مشارکین متعدّد و فراوان در هر دو قصیده شده و همین امر موجب تنوع و چندگانگی آن ها گردیده است؛ اما از نظر کنشگرها و کنش پذیرها، در قصیده ی نظیری تعداد بیشتر کنش پذیرها دالّ بر افعال متعدّی و در نتیجه ساخت های دو مشارکتی است؛ در نتیجه نظیری بیش از انوری زمینه ی حضور مشارکین را فراهم آورده است. همچنین تکراری نبودن مشارکین دالّ بر تنوع و خلاقیت هر دو شاعر است. در قصیده ی انوری ۳۴ حامل و ۳۶ محمول و در قصیده ی نظیری ۳۱ حامل و ۲۶ محمول دیده می شود. چنان که مشهود است در این بخش نیز آمار کاربرد حامل و محمول، بخصوص حامل ها، در ابیات دو شاعر، بسیار به هم نزدیک است؛ در بخش عناصر پیرامونی، هر دو شاعر از عناصر مکانی بیش از سایر عناصر بهره برده اند. در این بخش نظیری بیش از انوری به عنصر مکان توجه کرده است؛ از آن جا که مکان اغلب جنبه ی عینی و مادی دارد، می توان گفت قصیده ی نظیری عینی تر از قصیده ی انوری است. عناصر سببی نیز در ابیات نظیری بیشتر نمایان است؛ در متون مدحی عمدتاً وجود ممدوح را علّه العلل وقوع پدیده ها و کردارهای شگرف می دانند و همین امر موجبات غلوّ و اغراق های شاعرانه در مدح می شود؛ نتیجه این که می توان مدعی شد ابیات نظیری، اغراق آمیز تر از ابیات انوری در این قصیده است. چگونگی نیز در ابیات نظیری بیش از انوری است. به عبارتی نظیری، بر روند فرآیند بیش از انوری توجه کرده است. در ابیات انوری به فرآیند زمانی بیش از نظیری توجه شده است؛ به دیگر سخن

ابیات انوری زمانمندتر از ابیات نظیری است. عنصر مقدار یا کمیت نیز در هر دو متن نزدیک به هم است. تغییرات دستگاه آوایی در این دو قصیده، ویژگی های عمومی دستگاه آوایی زبان فارسی است و نمی توان آن ها را مختصه ی (features) سبکی دانست. می توان گفت ویژگی های مذکور عمدتاً در شعر انوری و پیش از او دیده می شود و نظیری که بخصوص در این قصیده از انوری تبعیت کرده، از مختصات زبانی وی، بسیار متأثر بوده است. در دستگاه واژگانی قصیده ی نظیری مانند انوری تمایل بیشتری به فعل ساده دیده می شود و این سادگی به روانی کلام او کمک کرده و تشابه بیشتری را با شعر انوری نشان می دهد. همچنین در مورد استفاده از واژگان غیر از فعل، می توان گفت که در مجموع نظیری مانند انوری ساخت ساده را پیش از دیگر ساخت ها به کار برده است. کاربرد واژگان مشتق وی ۱۰ مورد از انوری کمتر است. در واژگان مرکب و مشتق - مرکب، تقریباً مشابه یکدیگرند. تحلیل دستگاه نحوی نشان می دهد تعداد و ساختار جملات در دو قصیده بسیار به هم نزدیک و شبیه است؛ به دیگر سخن می توان گفت موضوع قصیده و تقلید نظیری چنین ساختار مشابهی را به وجود آورده است. حاصل همه ی این تحلیل ها نشان دهنده ی موفقیت نظیری در استقبال از شعر انوری است.

منابع

- ۱- آقا گلزاده، فردوس، **کاربرد آموزه های زبان شناسی نقشگرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی**، مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳۸، شماره ی ۱۴۹، ۱۳۸۴.
- ۲- ابوالقاسمی، محسن، **دستور تاریخی زبان فارسی**، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- ۳- انوری ابیوردی، علی بن محمد، **دیوان**، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
- ۴- پورنامداریان، تقی، **در سایه ی آفتاب**، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۰.
- ۵- تهنوی، محمد علی، **کشاف اصطلاحات الفنون**، با مقدمه ی محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات خیام، ۱۹۶۷.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمد رضا، **مفلس کیمیا فروش**، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۷۲.
- ۷- شمیسا، سیروس، **کلیات سبک شناسی**، چاپ دوم، تهران: فردوس، ۱۳۷۳.
- ۸- فرشیدورد، خسرو، **دستور مفصل امروز**، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲.
- ۹- قبادی، حسینعلی و احمد رضایی جمکرانی، **بررسی، تحلیل و نقد چهار قصیده فارسی بر اساس آموزه های زبان شناسی سیستمی - نقشگرا**، فصلنامه ی پژوهش زبان و ادبیات فارسی شماره ی ۲۰، ۱۳۹۰.
- ۱۰- کالر، جانانان، **بوطیقای ساختگرا**، ترجمه ی کورش صفوی، چاپ اول، تهران: مینوی خرد، ۱۳۸۸.
- ۱۱- گلچین معانی، احمد، **با کاروان هند**، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- ۱۲- مهاجر، مهران و محمد نبوی، **به سوی زبان شناسی شعر**، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۶.

۱۳- ناتل خانلری، پرویز، **تاریخ زبان فارسی**، جلد ۱، چاپ چهارم، تهران: نشر

نو، ۱۳۶۹.

۱۴- نظیری نیشابوری، محمد حسین، **دیوان**، با تصحیح و تعلیقات محمد رضا طاهری،

چاپ اول، تهران: نگاه، ۱۳۷۹.

15- Halliday, M.A.K. , *On language* , edited by jonthan Webster, first press , London, 2002

16- Eggins , Suzanne , *an introduction to systemic functional linguistics* , reprinted New, 2007
York.

Archive of SID

References

- 1-Abolqasemi, Mohsen, *Historical Persian Grammar*, first press, Tehran: Samt Publication. 2005
- 2-Agha Golzadeh, Ferdows , *Application of systemic linguistics Concepts in analyzing of literary texts*, Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Ferdowsi Mashhad, year 38, No. 149.2005
- 3- Anvari Abiverdi, Ali ibn-e -Mohammad *Divan, corrected by Mohammad Taghi Modrres-e-Razavi*, Fourth press, Tehran:Elmi Farhangi Publication. 1993
- 4- Culler, Jonathan, *Structuralist poetics*, translated by Kourosh Safavi, first press, Tehran:Minuy e- Kherad Publication. 2009
- 5- Eggins , Ssuzanne. *an introduction to systemic functional linguistics* , reprinted New.2007
- 6- Frshydvrđ, K., *Present Detailed grammar*, Second press , Tehran:Sokhan Publication. 2003
- 7- Ghobadi, Hossein Ali and Ahmad Rezaei. *Review*, analysis and critique of four Persian odes according to the systemic- functional linguistic, Persian Language and Literature Research Quarterly, No. 20.2011
- 8- Golchin –e- Maani, Ahmad . *Ba Kareva –e- Hend*, first press ,Mashad: Astan-e- Ghods Publication. 1990
- 9- Mohajer, Mehran. and Muhammad Nabavi . *Toward Linguistics of Poetry*, first press, Tehran: Nashr-e- Markaz .Publication 1997
- 10- Natel Khanlari, Parviz , *History of Persian Language*, Volume 1, Fourth Edition, Tehran: The New Press Publication. 1990

11- Naziri Neyshaboori, Mohammad Hossein , *Divan*, corrected by Mohammad Reza Taheri, first press, Tehran: Neghah Publication 2000

12- Purnamdariyan, T. *In the light of the sun*, first press, Tehran: Sokhan Publication. 2001

13- Shafiei Kadkani , Mohammad Reza *Mofless –e- Kimiya Forush*, first press, Tehran: Sokhan Publication. 1993

14- Shamisa, Cyrus *Universal stylistics*, Second press, Tehran: Ferdows Publication. 1994

15- Thanovi, Mohammad Ali *Kashshaf – e- Estelahat-Al –Fonun*, the introduction by Mohammad Parvin Gonabadi, Tehran: Khayyam Publication. 1967

York.

Archive of SID